

The "Observer One Plan" of the Police Force in the Face of People without Hijab in Cars: Theoretical and Practical Difficulties¹

Majid Nili^{*}

Mohammad Jawad Baghizadeh^{**} **Behnam Yusefiyan Shurdehi**^{***}

(Received: 26/09/2020; Accepted: 23/12/2020)

Abstract

As an Iranian-Islamic doctrine, hijab is considered to be an example of public chastity. After the Islamic Revolution, efforts have been made to promote and spread the general culture of hijab through cultural and religious methods. The passage of the Law on the Spread of the Culture of Chastity and Hijab in 2005 by the Supreme Council of the Cultural Revolution is one of the most complete laws defining duties for ministries, government agencies and public institutions, including the police. In order to carry out its duties and powers, the police force has implemented the "Observer One Plan". In this plan, people without hijab are confronted, and their cars are confiscated. The present article, using a descriptive-analytical method, explores the theoretical and practical difficulties of implementing this plan from the jurisprudential and legal perspective and examines the foundations of its legal legitimacy. Finally, it offers some cultural and legal solutions.

Keywords: No Wearing Hijab, Police Force, Observer One Plan, The Supreme Council of the Cultural Revolution, Difficulties.

1. This article is taken from: Majid Nili, "Theoretical and Practical Challenges in Obliging Individuals to Wear Islamic Clothing ", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Mohammad Jawad Baghizadeh, Faculty of Theology, Islamic Azad University, Damghan Branch, Iran.

* PhD Student in Jurisprudence and Criminal Law, Islamic Azad University, Damghan Branch, Damghan, Iran, majid.nili110@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Islamic Azad University, Damghan Branch, Damghan, Iran (Corresponding Author), Baqizadeh@damghaniau.ac.ir.

*** Assistant Professor, Department of Crime and Criminology, Islamic Azad University, Damghan Branch, Damghan, Iran, b.yousefian@damghaniau.ac.ir.

طرح ناظر یک نیروی انتظامی در مواجهه با افراد بی حجاب در خودروها: دشواری‌های نظری و عملی

مجید نیلی *

محمدجواد باقی‌زاده ** بهنام یوسفیان شوردهی ***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳]

چکیده

حجاب به عنوان باوری ایرانی‌اسلامی از مصادیق عفت عمومی شمرده می‌شود. پس از انقلاب اسلامی تلاش شده است با روش‌های فرهنگی و تقیینی، به ترویج و گسترش فرهنگ عمومی حجاب یاری رسانده شود. تصویب قانون گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در سال ۱۳۸۴ به همت شورای عالی انقلاب فرهنگی از کامل‌ترین قوانینی است که در آن برای وزارت‌خانه‌ها، نهادهای دولتی و مؤسسات عمومی، از جمله نیروی انتظامی، وظایفی تعریف شده است. نیروی انتظامی به منظور انجام‌دادن وظایف و اختیارات خود، اجرای «طرح ناظر یک» را در پیش گرفته است. در این طرح با افراد بی‌حجاب و بدحجاب مقابله، و خودروی‌شان توقیف می‌شود. مقاله حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی، دشواری‌های نظری و عملی اجرای این طرح را از منظر فقهی و حقوقی می‌کاود و مبانی مشروعیت حقوقی آن را بررسی می‌کند. در نهایت هم برخی راهکارهای فرهنگی و حقوقی را پیش می‌نهد.

کلیدواژه‌ها: بی‌حجابی، نیروی انتظامی، طرح ناظر یک، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دشواری‌ها.

۱. برگرفته از: مجید نیلی، چالش‌های نظری و عملی در الزام اشخاص به پوشش اسلامی، رساله آماده دفاع دکتری فقه و حقوق، استاد راهنما: محمدجواد باقی‌زاده، دانشکده الاهیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، ایران، ۱۴۰۰.
* دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، دامغان، ایران
majid.nili110@gmail.com

** استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، دامغان، ایران (نویسنده مسئول)
Baqizadeh@damghaniau.ac.ir

*** استادیار گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، دامغان، ایران
b.yousefian@damghaniau.ac.ir

مقدمه

حجاب یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دینی است که خداوند متعال در قرآن کریم و همچنین ائمه (علیهم‌السلام) در روایات بر آن تأکید داشته‌اند. متأسفانه در ایران، با روی کار آمدن خاندان پهلوی، بی‌حجابی و بی‌عفتی برای تقلید از فرهنگ غرب ترویج شد. رضاشاه پهلوی، حاکم مستبد ایران، طرح کشف حجاب را با پشتیبانی دولت‌های غربی اجرا، و با مخالفان به شدت رفتار کرد. او به منظور تشویق این منکر عمومی، زنان و خانواده خود را در معرض کشف حجاب قرار داد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، حکومت نوپای اسلامی ایران بر خود فرض دانست که با این ناهنجاری مقابله کند. لذا از اوایل انقلاب قوای مقننه و مجریه مصوبات فراوانی را در مواجهه با این معضل اجتماعی تصویب کردند. اما در عمل ثابت شد که با رفتارهای خشن و فیزیکی نه تنها بی‌حجابی برطرف نشد، بلکه با ترویج و تشویق شبکه‌های ماهواره‌ای و فرامرزی بر بی‌حجابی، این معضل اجتماعی روزبه‌روز بیشتر شد. بدیهی است که تمام نهادهای موظف نتوانسته‌اند در میدان عمل وظایفشان را به درستی انجام دهند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی با فرمان ولی فقیه تشکیل شده و بخشی از فلسفه شکل‌گیری‌اش گسترش فرهنگ عمومی است. این شورا قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب را تصویب کرده و وظایفی را بر عهده نهادهای عمومی و وزارت‌خانه‌ها، از جمله نیروی انتظامی، در مقابله با بی‌حجابی و گسترش فرهنگ حجاب گذاشته است. نیروی انتظامی با هدف انجام‌دادن وظایف خود در قانون مزبور، دست به ابتکار عمل زده و طرح ناظر یک را تدوین کرده است.

طرح ناظر یک، طرحی است که چگونگی مواجهه نیروی انتظامی با اتومبیل‌هایی را تبیین می‌کند که دارای سرنشین‌های بی‌حجاب باشند. به دنبال اجرای این طرح، مخالفان طرح پرسش‌های حقوقی و شرعی متعددی مطرح کرده‌اند. در مقاله حاضر، با روش توصیفی و تحلیلی در صدد اثبات ضرورت مقابله حکومت اسلامی با بی‌حجابی و پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در طرح ناظر یک هستیم، چراکه تا کنون هیچ پژوهش و تحقیقی در تبیین طرح ناظر یک نیروی انتظامی بدین صورت انجام نشده است.

البته به نظر می‌رسد هر ارگان و نهاد موظف در قانون راهکارهای اجرایی گسترش

فرهنگ عفاف و حجاب، از جمله نیروی انتظامی، قبل از اجرایی کردن طرح‌ها و راهکارهایش در مواجهه با بی‌حجابی، از جمله طرح ناظر یک، باید از طریق رسانه‌های عمومی نظیر صدا و سیما فرهنگ‌سازی عمومی انجام دهد تا از تبعات احتمالی منفی در اجرای طرح بکاهد و حملات فرامرزی دشمنان، که از عناد و لجابت‌شان با اسلام ناب ناشی می‌شود، منتفی گردد.

۱. بررسی دشواری‌های نظری طرح ناظر یک

از آنجا که قانون گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است، لازم است ابتدا تأملی در مبانی مشروعیت و جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گیرد.

۱.۱. شبهه در مشروعیت و جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

اولین اشکال مبنایی و اساسی در این حوزه این است که اعتماد به جامعه مردم‌سالار دینی زمانی تحقق پیدا می‌کند که حاکمیت، آثار آرای مردم بر سرنوشت جامعه دینی را بپذیرد و همه نظریه‌هایی که در مرحله عمل با آرای مردم در تعارض است، رد شود. بدیهی است حق قانون‌گذاری مردم بر سرنوشت خویش از طریق نمایندگان‌شان، یعنی مجلس قانون‌گذاری، جلوه‌گر می‌شود. حدود و ثغور این حق را مجلس تعیین می‌کند (شریف، ۱۳۸۴: ۲۱۴). مردم به منظور تدوین قانون اساسی نمایندگان خود را تعیین می‌کنند تا آنها در جهت رهایی از نظام شاهنشاهی مستبد و خودکامه اقدام، و به وظایف خود، یعنی ایجاد جامعه مردم‌سالار، عمل کنند (اصل ۷۱ قانون اساسی). چنانچه در یکی از نهادهای حاکمیتی مردمی رخنه‌ای ایجاد شود نظام تشکیل‌یافته مردم‌سالار مخدوش خواهد شد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی نهادی نیست که مردم آن را از طریق مجلس قانون‌گذاری خویش برگزیده باشند، اما این نهاد اقدام به قانون‌گذاری می‌کند و مصوباتش را در حکم قانون فرض می‌کند و نهادهایی را بر اساس مصوبات خویش به اجرا فرا می‌خواند. لذا به قدرت مجلس، که یکی از قوای قانون‌گذاری در قانون اساسی است، خلل وارد می‌شود. اگرچه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با استناد به ماده ۲۵ قانون تشکیلات خود، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را نظیر تصویب‌نامه و

آیین‌نامه دولتی تلقی کرده است، این شورا همچنان نهادی غیرمردمی است که با قانون‌گذاری‌هایش، دشواری‌هایی پیش روی قوه مقننه و شأن این قوه قرار داده است (همان: ۲۱۵). طبق اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی عبارت است از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند». همچنین، اصل ۷۱ قانون اساسی مقرر می‌دارد که مجلس شورای اسلامی می‌تواند در عموم مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی، قانون وضع کند.

وظیفه مجلس به عنوان بازوی توانمند مردمی، متصف به واضع قانونی قوه مقننه و اختیار است؛ یعنی اولین نهادی است که می‌تواند به وضع قانون مبادرت ورزد و هیچ نهادی خارج از او نمی‌تواند او را به وضع قانون اجبار کند. از دیدگاه واردکنندگان این اشکال، شورای عالی انقلاب فرهنگی نهادی است که اصل حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش را خدشه‌دار می‌کند؛ زیرا این نهاد در وظیفه مجلس، به عنوان نمایندگان مردم، تداخل ایجاد می‌کند و منتخبان مردم را در اجرای قانون دچار سردرگمی خواهد کرد (همان: ۲۷۷).

در پاسخ به این پرسش لازم است در پیشینه و ضرورت تشکیل این شورا تأمل کنیم. در اندک مدتی پس از انقلاب اسلامی، به ضرورت هدف انقلابی مردم و با تصمیم رهبری و شورای انقلاب، نهادهایی در کشور پیش‌بینی شد که قبلاً وجود خارجی نداشت. یکی از مهم‌ترین این نهادها شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. از این‌رو، نصی برای ایجاد نهاد مزبور در قانون مادر کشور وجود نداشت. وفق اصول ۵ و ۱۰۷ قانون اساسی، این شورا و اختیارات تصمیم‌گیری، شرح وظایف آن و اموری از این دست، با حکم ولی فقیه و حاکم نظام اسلامی متولد شد. اطلاق اصول مزبور، که وظایف رهبری را تعیین کرده، به ولی فقیه اجازه می‌دهد بر اساس مصلحت مردم و کشور چنین نهادی را تأسیس کند (الهام، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

مستفاد از اصل ۱۰۷ قانون اساسی، رهبری منتخب مجلس خبرگان است و مردم وی را با واسطه انتخاب می‌کنند و بدین وسیله ولایت امرشان را به عهده می‌گیرد. بدیهی است که وی باید حقوق عامه، غبطه و مصلحت‌شان را رعایت کند. در اصل پنجم قانون اساسی می‌بینیم عبارت‌های «ولایت امر» و «امامت امت» به صورت مطلق آمده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۴۷۶). لذا با توجه به اصل مزبور می‌توان تمام مسئولیت‌ها و

اختیاراتی را که در منابع شرعی بر عهده ولی امر و امام امت گذاشته شده، برای فقیه جامع الشرایط، که منتخب مردم است، اثبات کرد (الهام، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

درج کلمه «مطلقه» در بازنگری سال ۱۳۶۸ باعث شد ایرادی که در عصر حاضر بر انحصاری بودن وظایف رهبری مطرح می‌شود، که در اصل ۱۱۰ قانون اساسی آمده است، وارد نباشد. منظور مقنن از «ولایت مطلقه» در رهبری آن است که فقیهی در زمان غیبت امام معصوم (علیه السلام) عهده‌دار رهبری شود و تمام اختیارات حاکمیت اسلامی را، به استثنای آنچه مطابق نص منحصر بر ائمه (علیهم السلام) بوده است، دارا باشد. در این وضعیت، فقیه جامع الشرایط وظیفه دارد جامعه اسلامی را با رعایت مصلحت و غبطه به نحو احسن اداره کند. با توجه به اوصاف مقرر در قانون اساسی در تعریف اختیارات گسترده فقیه جامع الشرایط، موسوی خمینی می‌گوید: «حاکم می‌تواند از هر امر عبادی و غیرعبادی، که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، جلوگیری نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۴۶۷/۲). پس، مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی، اگر ولی فقیه صلاح بداند، می‌تواند نهادی خارج از نص قانون اساسی، مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، تأسیس کند و مصوبات آن را نیز مانند قانون بداند (همان). شورای عالی انقلاب فرهنگی نهادی است که از حکم حکومتی تأسیسی رهبر برخوردار است. بنابراین، هم در تشکیل و هم در مصوبات، به مراتب دارای مراتب قانونی بالاتر است. در پاسخ موسوی خمینی به پرسش رئیس وقت شورا، درباره ماهیت قانونی مصوبات این نهاد، به این مسئله تصریح شده است (همان: ۴۳۱/۱۲ و ۴۶۷/۲).

سید علی خامنه‌ای به دلیل وجود اختلاف بسیار بر سر ماهیت مصوبات این شورا، در سال ۱۳۶۳، درخواستی از موسوی خمینی بدین شرح مطرح کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی

شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تأمین اهداف و دستوراتی که حکم حضرت‌عالی بدان تصریح شده، ناچار است ضوابط و قواعدی وضع کند. همکاری و دخالت قوه قضاییه در موارد لزوم، منوط به آن است که مصوبات این شورا دارای اعتباری در حد قانون باشد. مستدعی است نظر شریف را در این باره ابلاغ فرمایید.

سید علی خامنه‌ای

موسوی خمینی در پاسخ به رئیس‌جمهور وقت، این گونه حکم می‌کند:

بسمه تعالی

ضوابط و قواعدی را که شورای محترم عالی انقلاب فرهنگی وضع می‌نماید، باید ترتیب اثر داده شود.

روح‌الله الموسوی الخمينی

(همان: ۱۷۱/۱۹)

عبارات و جملات موسوی خمینی را چگونه باید تعبیر کرد؟ آیا سایر نهادهای کشور باید مصوبات این شورا را مانند مصوبات مجلس، قانونی تلقی کنند و در نتیجه ساختار مصوبات این شورا مانند سایر نهادهای قانونی کشور معتبر است، الا اینکه موسوی خمینی مصوبات شورا را بالاتر از مصوبات سایر نهادها دانسته است؟ یا اینکه اعتبار ساختار و مصوبات شورا به صورت مقطعی و با توجه به ضرورت تأسیس آن در وضعیت آن زمان بوده است؟

اگر به عبارات و کلمات به‌کاررفته در پاسخ موسوی خمینی دقت کنیم درمی‌یابیم که وی نه تنها تأسیس و ساختار این شورا را قانونی می‌داند، بلکه اعتبار این مصوبات را نسبت به سایر نهادهای انقلابی، حداکثری می‌داند؛ یعنی نه تنها مصوبات شورا معتبر است، بلکه حتی باید اجرا هم بشود. این اعتبار حداکثری از سخنان رهبری فعلی نیز کاملاً آشکار می‌شود. سید علی خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۲۰ می‌گوید:

مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باید اجرا شود. حالا ترتیبی داده بشود آن چیزی را که مورد نظر شریف ایشان بود - به نظر من خوب است که ما بتوانیم کاری بکنیم که آنچه اینجا تصویب می‌شود - اجرا شود، و به صورتی نباشد که یک عده از افراد متفکر، صاحب منزلت فرهنگی، فکری، اجتماعی و غیره بنشینند و چیزی را تصمیم‌گیری کنند، بعد ناگهان مثلاً مجلس در حاشیه یک مصوبه، همه آنها را نقض کند و بی نتیجه شود! این مصلحت نیست (الهام، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

نیز می‌گوید:

گاهی می‌شود از طرف دستگاهی، مصوبه‌ای به مجلس برده می‌شود که یک گوشه آن به چیزی اشاره دارد که به کلی همه آنچه را که این مجموعه

نشسته‌اند، فکر و کار کرده‌اند از بین می‌برد. این گونه نباشد. این را نمی‌خواهیم (خامنه‌ای، به نقل از: الهام، ۱۳۹۲: ۱۶).
وی صراحتاً در عبارات فوق منع کرده است که مجلس، به عنوان قوه مقننه، تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی را نقض کند.

۱. ۲. شبهه نظری در تعیین وظایف نیروی انتظامی در قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب

قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در منطق خود، وزارت‌خانه‌ها و نهادهایی را برای گسترش و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب انتخاب، و اختیاراتی برای آنان وضع کرده است. یکی از این نهادها نیروی انتظامی است. در بندهای مندرج در این قانون، وظایف نیروی انتظامی این گونه آمده است:

اعلام حدود، ضوابط و ملاک‌های بدحجابی در جامعه به منظور تشخیص مصادیق آن؛

اهتمام بیشتر به برخورد قانونی و محترمانه؛

برخورد قانونی با باندهای اصلی گسترش فساد و فحشا؛

تذکر به افراد بدحجاب و برخورد با آنها؛ و ...

اشکال نظری در این زمینه این است که نیروی انتظامی مرجع قانون‌گذاری نیست تا بتواند ملاک‌های حجاب را تصویب، و سپس اجرایی کند. نیروی انتظامی صرفاً نیرویی عملیاتی است که باید به دستور مقام بالاتر به نظام امور جامعه بپردازد، اما حق قانون‌نویسی ندارد (سجادی، ۱۳۹۷).

در پاسخ به این اشکال به نظر می‌رسد این گروه به این نکته توجه نداشته‌اند که قانون‌گذار که خود واضع قانون است، می‌تواند وضع قانونی را به صورت خاص به نهادی واگذار کند. این اعطای نیابت یا نمایندگی هیچ منافاتی با عملیاتی‌بودن نیروی انتظامی ندارد. همان‌گونه که مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب قوانین خاص را در اوضاع و احوال خاص و با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیون‌های خود ارجاع دهد. کمیسیون‌های مجلس نیز می‌توانند قوانین را تصویب کنند (اصل ۸۲ قانون اساسی). شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز با توجه به تهاجم فرهنگی، فراوانی بدحجابی، لزوم مقابله با بدحجابی و اختیارات اعطایی از سوی رهبری، می‌تواند اختیار تعیین ملاک‌های

بی‌حجابی و تعیین مصادیق آن را به نیروی انتظامی واگذار کند (بند یک ذیل وظایف نیروی انتظامی در قانون گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، مصوبه ۱۳۸۴).

۱.۳. شبهه نظری در حریم خصوصی بودن خودرو و لزوم رعایت آن

مخالفان اجرای طرح ناظر یک در توجیه مخالفت خود، بحث حقوقی حریم خصوصی را مطرح می‌کنند. آنها با استناد به سه فتوا از سه مرجع دینی می‌گویند چون خودرو حریم خصوصی است نیروی انتظامی حق مقابله با بدحجابی در خودرو را ندارد. زیرا این نهاد بدین طریق، بدون حکم قانونی و مجوز شرعی، وارد حریم خصوصی افراد می‌شود (شبکه اجتهاد، ۱۳۹۶). ضروری است قبل از ورود و بررسی ایراد مخالفان طرح ناظر یک در این قسمت، حریم خصوصی را از منظر اصول حقوقی و شرع، به‌اختصار بررسی کنیم.

«حریم خصوصی» یکی از محترم‌ترین حقوق اشخاص است که فقها و حقوق‌دانان بر آن تأکید کرده و آن را به رسمیت شناخته‌اند. در تعریف حریم خصوصی می‌گویند: «محدوده‌ای از اعمال و ویژگی‌های هر شخص است که برای عموم آشکار نبوده و وی تمایلی به افشای آن ندارد و نسبت به ورود غیر واکنش نشان می‌دهد» (بخشایشی و حیدری، ۱۳۹۰: ۲۰۸). در حقوق ایران، در اصول ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی از حریم خصوصی یاد شده است. موسوی خمینی در فرمان هشت ماده‌ای صادرشده در مورخ ۱۳۶۱/۹/۲۲، تجسس از منازل، محل کار، شنود تلفنی و گوش‌دادن نوار، تجسس در اسرار دیگران و افشای آن را ممنوع کرد (همان: ۲۱۲).

از نگاه مخالفان طرح ناظر یک، ماشین‌های سواری، جزئی از حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود. آنها معتقدند چون خودرو مکانی در بسته است، هیچ کس حق ورود غیرمجاز به آن را ندارد. بنابراین، نیروی انتظامی نیز برای مقابله با بدحجابان حق ورود به داخل خودرو، یا حق تذکر به بدحجابان را ندارد. ورود نیروی انتظامی به داخل حریم خصوصی نیز باید با مجوز قانونی باشد، در حالی که نیروی انتظامی در اجرای طرح ناظر یک اعتقادی به داشتن مجوز قانونی در ورود به خودروها ندارد. این گروه برای تأیید نظریه خود در حریم خصوصی خودرو، به چند نمونه فتاوی مراجع تقلید فعلی نیز استناد می‌کنند، از جمله استفتایی از مکارم شیرازی که طبق آن داخل خودرو

جزء حریم شخصی افراد است و دیگری حق تجاوز به آن را ندارد. نیز شبیری زنجانی می‌گوید: «خودروی شخصی نیز احکام ملک را دارد. بنابراین، هر گونه تصرف در آن بدون اجازه صاحب ملک جایز نیست». نوری همدانی هم می‌گوید: «بله، خصوصی است و باید بر اساس مقررات حکومت اسلامی در آن عمل شود» (شبکه اجتهاد، ۱۳۹۶).

در پاسخ به این اشکال باید گفت به استناد قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، نمی‌توان متعرض جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص شد، مگر در آنچه قانون تجویز کند (ماده پنج قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر). در ماده سه این قانون، قانون‌گذار مقرر می‌دارد که امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی، و بدون تجسس، مشخص باشد. اما در تبصره ماده پنج می‌گوید اماکنی که بدون تجسس در معرض دید قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه، مشمول حریم خصوصی نیست.

قانون‌گذار علی‌رغم تصویب قوانین مختلف راجع به مصادیق «حریم خصوصی» و نیز تعریف حقوق دانان از این مفهوم، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر را نیز تصویب کرده است. قانون‌گذار در تبصره ماده پنج این قانون صراحتاً می‌گوید آنچه مردم با خواست خود می‌خواهند دیگران آن را ببینند، از قبیل قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و وسایل نقلیه، جزء حریم خصوصی افراد نیست. لذا در این قسمت، الزامات حقوقی در ورود به حریم خصوصی افراد، از جمله مجوز قضایی، نیاز نیست و نیروی انتظامی می‌تواند در راستای اجرای طرح ناظر یک در حریم عمومی عمل کند.

اما درباره استثنائاتی که مخالفان طرح ناظر یک بدان استناد می‌جویند باید توجه داشت که پاسخ به مسئله شرعی همواره تابع نحوه پرسیدن پرسشگر است. همچنین، باید دید در چه محدوده‌ای پرسش مطرح شده است؛ مثلاً پرسیده‌اند: «آیا خودرو حریم خصوصی است یا خیر؟». طبیعی است که مرجع تقلید به این پرسش پاسخ مثبت خواهد داد. بنابراین، اگر پرسند: «چنانچه در اتومبیلی که حریم شخصی محسوب شده است، جرم و خلاف شرعی مثل بی‌حجابی انجام شود و در معرض دید باشد، آیا نظام اسلامی وظیفه‌ای برای مقابله با آن جرم دارد یا خیر؟»، قطعاً مراجع تقلید پاسخ مثبت خواهند داد.

به نظر می‌رسد پاسخی که مکارم شیرازی نگاشته است محتاطانه بوده است، زیرا وی می‌گوید: «داخل خودرو جزء حریم شخصی است و دیگری حق تجاوز به آن را ندارد، ولی حجاب و امثال آن باید در داخل آن رعایت شود». واضح است که مراجع دینی هیچ‌گاه به بی‌بندوباری در خودروها اعتقادی نداشته و ندارند. ایشان هرگز چنین اعتقادی ندارند که اگر در خودروها، که در مرئ و منظر نیروی انتظامی است، حجاب رعایت نشود نیروی ناجا نتواند با سرنشینان خودروها مقابله قانونی کند. همچنین، اگر استناد مخالفان به فتاوا درست باشد، بر اساس اصل ۶۷ قانون اساسی، اگر بین نصّ و قانون و شرع تعارض وجود داشته باشد، قانون مقدم است و قضات باید بر اساس قانون قضاوت کنند. در این قسمت، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر وجود دارد که در تبصره ماده پنج، خودرو را از شمول حریم خصوصی خارج کرده است.

اگر بپذیریم با وجود قانون، قضات بتوانند به منابع معتبر مراجعه کنند، در حقیقت پذیرفته‌ایم که مثلاً دو قاضی بتوانند با توسل به دو مرجع و با استناد به دو منبع معتبر، دو حکم متفاوت صادر کنند. این، خلاف مقررات و قوانین نظام جمهوری اسلامی است. بنابراین، باید همه قضات به قانون مراجعه و در صورت فقدان قانون، به منبع مهم فقهی رجوع کنند. پس نیروی انتظامی در هنگام اجرای طرح ناظر یک می‌تواند به توقیف، تذکر و مقابله قانونی با افراد بی‌حجاب یا بدحجاب داخل خودروها اقدام کند (صادقی، ۱۳۹۶).

۴.۱. شبهه نظری در مشهودنبودن جرم بی‌حجابی در خودروها

مخالفان اجرای طرح ناظر یک، یکی از ایرادهای اجرای این طرح را مشهودنبودن جرم بی‌حجابی در داخل خودرو می‌دانند. آنها معتقدند بر اساس قوانین نظام اسلامی، نیروی انتظامی برای متوقف کردن خودروها، به دلیل بی‌حجاب بودن سرنشینان، باید مجوز قضایی از مقامات بالای قضایی داشته باشد. قبل از ورود به این بحث، باید تعریف قانون‌گذار ایران را از «جرائم مشهود» دانست، اما تعریف دقیقی از «جرائم مشهود» در نظام تقنینی ما نشده و فقط مصادیقش در ماده ۴۵ آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، آمده است. در بند الف ماده ۴۵ مقرر داشته است که اگر جرمی در مرئ و منظر نیروی انتظامی قرار گیرد جرم مشهود است.

مخالفان طرح ناظر یک معتقدند چون خودرو حریم خصوصی افراد است، پس نمی‌تواند در مرثا و منظر نیروی انتظامی باشد. زیرا هیچ کس تمایل ندارد که دیگران، حتی نیروی انتظامی، به داخل آن ورود و تجسس کنند. اما چنان‌که گفته شد، به استناد تبصره ماده پنج قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، خودرو حریم خصوصی نیست. حریم خصوصی به فضایی می‌گویند که کسی نتواند آن را به طور طبیعی و عادی ببیند. بر همین اساس، فضای نمای داخل خودرو حریم خصوصی نیست (صادقی، ۱۳۹۶). از این جهت، افراد بی‌حجاب اگر در خودرو به طور عادی دیده شوند مرتکب جرم بی‌حجابی شده‌اند و نیروی انتظامی بدون اجازه و حکم از مقام قضایی می‌تواند بلافاصله با جرم مشهود مقابله کند و وارد عمل شود و با سرنشینان بی‌حجاب مقابله قانونی کند.

۲. دشواری‌های عملی اجرای طرح ناظر یک

در قسمت عملی و میدانی نیز اجرای طرح ناظر یک با دشواری‌هایی روبه‌رو است که ضمن تحلیل و بررسی آن می‌کوشیم پاسخ‌های مستدل مناسب حقوقی مطرح کنیم.

۲. ۱. مقابله نیروی انتظامی با خانم‌های بدحجاب سال‌خورده در اجرای طرح

ناظر یک

چنان‌که در متون دینی می‌بینیم، حکم الهی درباره بانوان سال‌خورده در مسئله حجاب توأم با تسامح است، چنانچه در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِرْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۶۰)؛ «حجاب بر زنان سال‌خورده و ناامید از ازدواج، در صورت پرهیز از خودآرایی و زینت، واجب نیست و می‌توانند لباس‌های رویین خود را بر زمین بگذارند». «تبرج» یعنی زنان محاسن و زیبایی‌هایی خود را آشکار کنند. این واژه به معنای ظهور است. لذا به ساختمان‌های بلند «برج» می‌گویند؛ چون ظاهر و پیدا است (طباطبایی، ۱۴۱۰: ۲۷۷/۱۵). «قواعد» در لسان عرب به زنانی می‌گویند که از نکاح بازنشسته باشند و امیدی به ازدواجشان نباشد: «القاعدة لمن قعدت من الولد والمحيض» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۴۳/۱)؛ «و جمعها القواعد من النساء»

(سمیع الزین، ۱۴۰۴: ۷۱۲). در آخر آیه، خداوند کریم حجاب را بهتر از بی حجابی برای این گونه زنان می‌داند: «وَ أَنْ يَسْتَغْفِرْنَ خَيْرٌ لَّهِنَّ». از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است که فرمودند: «زنان سال خورده می‌توانند چادر و روسری‌شان را بردارند» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۶۲۳/۳).

حال که زنان سال خورده و ناامید از ازدواج می‌توانند روسری از سر بردارند، نیروی انتظامی چگونه در طرح ناظر یک می‌تواند با چنین زنانی قانوناً مقابله کند؟ آیا می‌توان به استناد این طرح، خودروی این گونه افراد بی حجاب را توقیف و به پارکینگ منتقل کرد؟ در پاسخ باید گفت استفاده از دلایل بالا، برای خدشه دار کردن طرح ناظر یک کافی نیست؛ زیرا اولاً برای رفع حَرَج از زنان سال خورده در آیه مذکور دو شرط آمده است؛ یکی ناامیدی از زناشویی و دیگری خودآرایی نکردن در برابر دیگران (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹). ثانیاً جامعه‌ای که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن زندگی می‌کرده به نحو بسیار گسترده در معرض هجوم بی بندوباری و لابی‌گری نبوده، و زنان سال خورده نیز بدین صورت مبادرت به خودنمایی نمی‌کردند، و لزوم حجاب در صورت خودآرایی زنان فرتوت، آنها را از استثنای ضرورت پوشش موجود در سوره نور خارج نخواهد کرد.

لذا حاکم اسلامی مختار است بنا بر مصلحت جامعه و با توجه به اختیارات گسترده و اعطاشده از سوی قانون‌گذار از بی حجابی زنان سال خورده نیز همانند دیگران جلوگیری کند. نیروی انتظامی نیز می‌تواند در طرح ناظر یک، به استناد قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، با این گونه افراد مقابله قانونی کند. به علاوه، قانون‌گذار در مقام بیان بوده و اگر می‌خواست تفاوتی بین زنان سال خورده و جوان در قانون مذکور قائل شود، البته باید ذکر می‌کرد. با این حال حکم را مطلق بیان کرده است؛ یعنی مجری قانون می‌تواند با تمام زنان با سنین مختلف به یکسان، مطابق با قانون مصوب، مقابله شایسته و بایسته کند.

۲.۲. مقابله با زنان بی حجاب اقلیت‌های دینی

در نظام اولیه اسلامی، به رهبری حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و به عنوان الگوی حکومتی اسلام، چگونه با زنان بی حجاب اهل کتاب (اقلیت‌های دینی) رفتار می‌شده است؟ پژوهشگران در این باره می‌گویند در بین زنان یهود و نصارا حجاب نسبی وجود داشت و

اگر زنان مسیحی و یهودی کشف حجاب می‌کردند برخلاف آموزه‌ها و دستورهای کتاب آسمانی‌شان بود (مینایی و محمدزاده، ۱۳۹۶) و این قانون به اعتراف برخی مورخان سرسختانه‌تر بوده است (اشتاین سالتز، ۱۳۹۵: ۴۰۵). پس از نزول آیات حجاب و تشریح آن، پیامبر اکرم ﷺ رعایت کامل آن را بر زنان یهود و نصارا اجباری نکرد، بلکه از باب امر به معروف و نهی از منکر، اقدام به اجرای این فریضه الهی در قبال بی‌حجابی اهل کتاب می‌کرد و مسلمانان در مقابل بدحجابی اهل کتاب نیز چنین بودند (جعفریان، ۱۳۸۰: ۵۰۸/۱). مخالفان طرح ناظر یک از مطلب مذکور نتیجه می‌گیرند که نظام اسلامی، خصوصاً نیروی انتظامی، نمی‌تواند در این طرح با زنان بی‌حجاب اقلیت‌های دینی مقابله کند؛ زیرا مبانی دینی ما، اجازه چنین کاری را به نیروی انتظامی نمی‌دهد و اقلیت‌های مذهبی حق دارند از حقوق شهروندی و مدنی برخوردار شوند و پیروان آیین‌های مذکور در هر گروهی از این سه آیین می‌توانند طبق رسوم و مقررات آیینی‌شان رفتار کنند (خاک‌پور و سادات‌حسینی، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

اولاً، در مبانی اسلامی، اقلیت‌های دینی غیرمسلمان که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند تابع قرارداد عقد ذمه‌اند؛ خداوند در آیه ۲۹ سوره توبه می‌فرماید: «فَاتْلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»، یعنی آنها تا زمانی محترم‌اند که قوانین جامعه اسلامی را رعایت کنند و در مقابل آن خاضع باشند، زندگی مسالمت‌آمیز و دوستانه‌ای داشته باشند و از حسن همجواری استفاده کنند (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۸۲)؛ لذا کسانی که مذاهب غیراسلامی دارند نمی‌توانند قوانین اسلامی را بشکنند، و طبق قراردادشان با حکومت اسلامی نباید به حدود و احکام دین اسلام تجاوز کنند و آشکارا مرتکب گناه شوند (نجفی، ۱۳۸۲: ۲۱/۲۷۰؛ موسوی، ۱۳۹۶: ۳۵).

ثانیاً، در حکومت اسلامی رعایت مصالح اجتماعی در اولویت است. آنچه در دایره فردی و شخصی رخ می‌دهد منع حکومتی نشده، اما آنچه از حوزه شخصی افراد فراتر رود و به سرنوشت دیگر انسان‌ها گره بخورد، اگر بر مبنای صحیح عقلانی و رعایت غبطه و مصالح جامعه نباشد، حکومت اسلامی از آن عمل جلوگیری خواهد کرد. از این‌رو، حکومت اسلامی اجازه می‌دهد اهل کتاب در حوزه فردی به طریق مرام و کیش و آیین خود عمل کنند و از حقوق همه‌جانبه فردی و اجتماعی (آزادی عقیدتی، مسکن،

بیان، استقلال قضایی، استقلال فکری، تساوی در برابر قانون، برخورداری از فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی و عدالت اجتماعی) برخورددار شوند (خاک‌پور و سادات‌حسینی، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۲۶) اما انتقال این‌گونه مسائل به حوزه اجتماعی و جامعه اسلامی در واقع توطئه و توهین به ارزش‌ها و آموزه‌های دینی مسلمانان است و نظام اسلامی حق خود می‌داند با هر گونه بی‌حجابی اقلیت‌های دینی در سطح جامعه مقابله کند (موسوی، ۱۳۹۶: ۳۵).

۲.۳. اجرای طرح ناظر یک در خصوص ماشین‌های دارای شیشه دودی

مخالفان طرح ناظر یک معتقدند اتومبیل ملک خصوصی است و ملک خصوصی نیز در اسلام محترم است. همچنین، تصرفات در ملک خصوصی جزء الزامات مالکیت آن است؛ از آنجا که داخل این خودروها دیده نمی‌شود، بانوان در چنین خودروهایی می‌توانند روسری یا سربندشان را بردارند و خود را نمایان کنند. به‌علاوه، رانندگان به هر مقدار که بخواهند می‌توانند شیشه‌ها را تیره و دودی کنند.

بر اساس قوانین راهنمایی و رانندگی، شیشه‌های دودی بالاتر از چهل درصد از تخلف‌های راهنمایی و رانندگی به شمار می‌آید و استفاده از شیشه‌های دودی، اگر مانع دید به داخل خودرو یا مانع دید راننده شود، بر اساس مصوبه هیئت دولت ممنوع است. اگر مالکان شیشه‌های خودرو را دودی کنند، پلیس باید بتواند از فاصله سه متری، سرنشینان اتومبیل و داخل آن را مشاهده کند. معیار غیرمجازبودن دودی‌کردن شیشه، قابلیت رؤیت برای افسر کارشناس ناجا است. در غیر این صورت، به پرداخت پنجاه هزار تومان جریمه و اصلاح شیشه‌ها ملزم می‌شوند (بند ۲۱۱۴ جدول جرایم راهنمایی و رانندگی). در نتیجه، افراد نمی‌توانند با توسل به دودی‌کردن شیشه ماشین‌هایشان مرتکب جرم بی‌حجابی شوند.

۲.۴. قائل‌نشدن به تفاوت در طرح ناظر یک بین افراد متجری به احکام الهی و

عادی

«تجری» در لغت به معنای اظهار دلیری کردن، سرپیچی و نافرمانی است. اگر عبدی بر مولایش بی‌اعتنا باشد و به اوامر و نواهی مولا اهمیت ندهد به او متجاهر می‌گویند. «تجری» در اصطلاح یعنی فرد به تکلیف یقین پیدا کند و با آن مخالفت کند، اما یقینش

مخالف با واقع باشد؛ مثلاً یقین داشته باشد عملی واجب است و آن را ترک کند و بعد مشخص شود مستحب بوده است (سبحانی، ۱۳۹۲). «متجری» به فردی می‌گویند که در بحث رعایت نکردن حجاب آشکارا بدحجاب است. به چنین افرادی در فقه «فاسق» می‌گویند. یعنی کسانی که ابایی از تظاهرکردن به گناه در مرثا و منظر عموم ندارند (سلیمانی و نورمحمدی، ۱۳۹۸: ۶). لذا بر نظام اسلامی فرض است که با گروه فاسدان با شدت و سرعت و قاطعیت رفتار کند. مکارم شیرازی می‌گوید:

قانون مجازات از مهم‌ترین مسائل نظام اسلامی است. اگرچه حل مشکلات اجتماعی منحصر در جعل و اجرای مجازات نیست، بلکه هدایت جامعه انسانی به سمت خیر و سعادت بایستی از طریق تعلیم و تربیت یا تقویت پایه تقوا و رشد فرهنگی جامعه صورت گیرد. با این وجود، در هر جامعه‌ای بدون شک گروهی از افراد فسادگر، سرکش و مخالف قانون وجود دارند که قابل هدایت نیستند. اتخاذ شیوه‌های پیشین در مورد آنان سودبخش نیست؛ بنابراین اگر با آنان با شدت و قاطعیت برخورد شود، خطر آنان از بین می‌رود یا کمتر می‌شود. حال آنکه تسامح و تأخیر و عدم استفاده از قدرت در مقابل آنان باعث افزایش فساد و گمراهی و مخالفت آنان با قانون می‌گردد. طغیانگری آنان به حدی می‌رسد که با این گروه اندک، جامعه به سمت تباهی و ترس و خوف کشیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹).

با توجه به این گفتار مرجع دینی، آیا چنین کسانی با چنین خصوصیتی با افرادی که به صورت اتفاقی و به‌ندرت مرتکب بی‌حجابی در خودروها می‌شوند متفاوت نیستند؟ اما در طرح ناظر یک، هر دو گروه مذکور اصطلاحاً با یک چوب رانده شده‌اند. ایراد مطرح در این خصوص این است که: آیا در این طرح نیروی انتظامی باید با هر دو گروه رفتار یکسانی داشته باشد؟! به عبارت دیگر، آیا در نظام اسلامی با فردی که قصد خودآرایی در خودرو نداشته و کسی که عملاً در خودرو حجابش را برمی‌دارد باید به یکسان رفتار کرد؟!

در پاسخ باید گفت در طرح ناظر یک پیش‌بینی شده است که به افراد بی‌حجاب در خودروها تذکر داده شود که حجاب را در خودرو رعایت کنند، اما در صورت تکرار با آنان مقابله قانونی خواهد شد؛ زیرا این رفتار با اصل قبح عقاب بلابیان هیچ تعارضی

نخواهد داشت و همان‌طور که در تعریف وظایف نیروی انتظامی در قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب آمده است، نیروی انتظامی ابتدا با روش‌های قانونی و به دور از خشونت (بندهای سه و پنج قانون مذکور) با بی‌حجابی مقابله خواهد کرد. مثلاً نیروی انتظامی به افراد عادی تذکر می‌دهد و در صورت رعایت حجاب، اتومبیل به راه خود ادامه خواهد داد. اما در صورت تجری شخص متجاهر به فعل حرام به صورت مکرر، نیروی انتظامی از طریق سامانه مربوط و ابلاغ قانونی به آنان، بدو آنها را به پلیس امنیت اخلاقی دعوت، و در صورت امتناع از مراجعه، از طریق دستور مرجع قضایی وسیله نقلیه‌شان را توقیف می‌کند. سپس با اخذ تعهد، اتومبیل رفع توقیف می‌شود. با توجه به اختیارات ویژه در قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در این باب با اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات نیز تداخل و تعارضی نخواهد داشت.

۲.۵. تعامل نامناسب سایر دستگاه‌های موظف در قانون گسترش فرهنگ عفاف و حجاب با نیروی انتظامی در مقابله با بی‌حجابی

در مصوبه قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ۲۶ دستگاه موظف شده‌اند وظایف تخصصی‌شان را در ترویج عفاف و حجاب و رفع موانع فرهنگی آن اجرا کنند. این وظایف به دو دسته کلی فرهنگی و اجرایی تقسیم می‌شود. با مطالعه این قوانین به نظر می‌رسد قسمت دوم در این قانون، یعنی شرح وظایف اجرایی، از وظایف فرهنگی پررنگ‌تر شده است؛ اجرای این وظایف فرهنگی، همچون همکاری با رسانه‌های ارتباط جمعی و به تصویر کشیدن زنان تحصیل‌کرده و متعهد باحجاب در فیلم‌ها و حمایت از سیاست‌های مؤسسات مردم‌نهاد در گسترش فرهنگ حجاب، مانند سازمان ملی جوانان، می‌تواند به گسترش فرهنگ حجاب در جامعه کمک کند. اما از جهت اجرایی، وظایفی همچون اهتمام بیشتر به مقابله قانونی و محترمانه، اعلام حدود قانونی عفاف و ملاک‌های بدحجابی در جامعه از طریق جراید و رسانه‌های عمومی به منظور تشخیص مصادیق بی‌حجابی در خودروها و توقیف خودروهای دولتی، که سرشناسانش شئون اسلامی را رعایت نمی‌کنند، به منظور الگوسازی در جامعه، راهکارهای عملی و اجرایی مؤثری است.

بدیهی است اقدام به وظایف اجرایی بدون فرهنگ‌سازی عمومی راه‌گشا نیست؛ لذا اگر دستگاه‌هایی که باید وظایف فرهنگ‌سازی عمومی را طبق قانون مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام دهند عملکرد خوبی نداشته باشند، نیروی انتظامی در این کارزار و شیخون فرهنگی راه به جایی نخواهد برد. به نظر می‌رسد برای اجرای طرح ناظر یک در جهت گسترش فرهنگ حجاب و امنیت اخلاقی باید تمامی دستگاه‌ها هم‌قسم شوند تا این طرح به نتیجه برسد.

۲.۶. ناآگاهی عمومی از طرح ناظر یک و ضرورت اجرای آن

به نظر می‌رسد واکنش منفی جامعه، که در برخی رسانه‌ها مطرح شده و بعضاً در راستای ناراضی جلوه‌دادن مردم صورت می‌گیرد، ناشی از ناآگاهی عمومی از فواید اجرای طرح ناظر یک و بی‌اعتمادی به آن در سالم‌سازی جامعه از ناهنجاری‌های اجتماعی است. نیروی انتظامی باید قبل از اجرای طرح، از طریق رسانه ملی و رسانه‌های عمومی بر فرهنگ‌سازی و آگاهی‌دهی عمومی تکیه می‌کرد. در این صورت، اعتماد عمومی به اجرای طرح ناظر یک جلب می‌شد یا افزایش می‌یافت. اگر نیروی انتظامی از محسنات این طرح در سالم‌سازی محیطی و فرهنگی با مردم به گفت‌وگو می‌نشست بازدهی عمومی این طرح افزایش می‌یافت. مثلاً ناجا باید از طریق رسانه عمومی، این طرح را به‌خوبی تشریح می‌کرد تا مردم آگاه شوند و نارضایتی عمومی به حداقل برسد. علاوه بر این، این اقدام می‌توانست به ارزش‌های جامعه، از جمله حجاب عمومی که ضامن بقای خانواده‌های ایرانی است، کمک کند. به نظر می‌رسد اگر نیروی انتظامی با آموزش عمومی و به صورت پلکانی طرح مزبور را اجرا می‌کرد تأثیر بسیار بیشتری در کاهش بی‌حجابی داشت.

جمع‌بندی و پیشنهادها

این نوشتار در صدد رفع ابهام و پاسخ به پرسش‌ها و دشواری‌های پیش روی طرح ناظر یک است. این طرح بر اساس قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، تدوین شده است. در این مقاله به ایرادهای نظری و عملی مخالفان بر این طرح، و پاسخ به این ایرادها به صورت مستدل

- پرداختیم. در پایان، برای ارتقای فرهنگ حجاب و عفاف، نکات ذیل پیشنهاد می‌شود:
۱. اختصاص بودجه مناسب از طرف هیئت دولت به منظور هزینه‌کرد برای نیروی انتظامی در فرهنگ‌سازی عمومی حجاب؛
 ۲. تعریف استانداردهای فرهنگی دینی و ملی از طریق قوه مقننه در ترویج پوشش مناسب در خودروهای شخصی و دولتی؛
 ۳. تقویت تعامل خانواده‌ها و نیروی انتظامی و برگزاری نشست‌های مشترک در جهت استفاده مناسب از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی و راه‌اندازی سایت‌های ترویجی برای طرح مزبور؛
 ۴. لزوم پیش‌بینی چگونگی مقابله قانونی با بی‌حجابی با ورود جهات ثانویه؛
 ۵. لزوم تعامل نهایی دستگاه‌های موظف در گسترش حجاب با نیروی انتظامی؛
 ۶. برگزاری نشست‌های مشترک نیروی انتظامی با حضور حقوق‌دانان و روان‌شناسان در جهت پیشبرد وظایف محوله در قانون حجاب؛
 ۷. آموزش و تربیت نیروهای مجرب خانم برای مقابله با افراد بدحجاب در خودروها و اجرای طرح ناظر یک با رویه یکسان و با رعایت حقوق شهروندی (دعاگویان، ۱۳۹۴: ۸۶).
 ۸. جایگزینی روش‌های رسمی و رفتارهای سلبی و فیزیکی نیروهای انتظامی با روش‌های کنترلی غیررسمی و ایجابی و استفاده از روش‌های پیشگیرانه (همان).
 ۹. فرهنگ‌سازی عمومی برای اجرای طرح ناظر یک، در جهت ارتقای امنیت اخلاقی جامعه به کمک نیروی انتظامی، از طریق برگزاری مستمر برنامه‌های مستند در رسانه ملی؛
 ۱۰. ارزیابی دقیق از اجرای طرح ناظر یک برای مقابله با مظاهر بدحجابی در خیابان‌ها و راه‌های مواصلاتی کشور؛
 ۱۱. تهیه و تدوین بخش‌نامه و ابلاغ آن به واحدهای مسئول طرح ناظر یک به منظور رفتار مناسب اسلامی و برخورداری از اخلاق حسنه برای تأثیرگذاری بیشتر؛
 ۱۲. مطالبه‌گری از سازمان‌ها و مراکز دولتی راجع به کارکنان آنها در موضوع رعایت حجاب در خودروهای دولتی.

منابع

قرآن کریم.

اشتاین سالتز، آدین (۱۳۹۳). سیری در تلمود، ترجمه: باقر طالبی، قم: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، چاپ سوم.

الهام، غلام حسین (۱۳۹۲). «بررسی تداخل مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبات مجلس شورای اسلامی دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام»، در: حقوق اسلامی، س ۱۴، ش ۱، ص ۱۷۵-۱۷۹.

بخشایشی یایقوت، محرم؛ حیدری منور، حسین (۱۳۹۰). «حریم خصوصی در حقوق ایران و اسناد بین المللی»، در: مطالعات پلیس، س ۲۹، ش ۶، ص ۲۰۷-۲۳۲.

جعفریان، رسول (۱۳۸۰). رساله حجابیه، قم: دلیل ما.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). ولایت فقیه و ولایت فقاهت و عدالت، قم: اسراء.

خاک پور، حسین؛ سادات حسینی، الهام السادات (۱۳۹۳). «بررسی حقوق اقلیت های دینی و جزیه در قرآن»، در: پژوهش نامه معارف قرآنی، دوره ۱۵، ص ۱۱۷-۱۳۶.

سیحانی، جعفر (۱۳۹۲/۶/۳۰). «معنای تجری و استحقاق عقاب بر آن»، در: <http://www.eshia.ir>

سجادی، احمد (۱۳۹۷/۲/۵). در: <https://www.isna.ir>

سلیمانی، ایران؛ نورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۸). «بررسی فقهی تظاهر به فسق و فجور»، در: نشریه دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق ایران و جهان.

سمیع الزین، عاطف (۱۴۰۴). تفسیر مفردات الالفاظ القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب اللبنانی.

شبکه اجتهاد (۱۳۹۶/۴/۱۹). «حریم خصوصی در خودرو از نگاه مراجع تقلید»، در: <http://ijtihadnet.ir>
شریف، محمد (۱۳۸۴). «جایگاه قانون شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرتبه مصوبات آن»، در: حقوق و سیاست، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۲۱۷-۲۴۸.

صادقی، هادی (۱۳۹۶/۴/۱۷). در: <https://www.icana.ir>

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۳). تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.

عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۷۹). فقه سیاسی: حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران: سمت.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین، قم: مؤسسة دار الهجرة.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۹/۹/۲۲). در:

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
موسوی، سید حسن (۱۳۹۶). پرسش‌ها و پاسخ‌ها ۶۰: نگاهی دوباره به مسئله حجاب، قم: دفتر نشر معارف، چاپ دوم.

مینایی، سمیرا؛ محمدزاده، زینب (۱۳۹۶). «حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت»، در: همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب.

نجفی، محمدحسن (۱۳۸۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم: جامعه مدرسین.
هدایتی‌نیا، فرج‌الله (۱۳۸۱). «جایگاه حقوقی ستاد عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات آن»، در: رواق اندیشه، دوره ۹، ش ۸، ص ۵۳-۷۰.

References

Holy Quran

Al-Arusi al-Howeyzi, Abd Ali ibn Jomah. 1995. *Nur al-Thaghalayn (Light of the Two Weighty Things)*, Qom: Esmailiyan. [in Arabic]

Amid Zanjani, Abbas Ali. 2000. *Feghh Siyasi: Hoghugh Taahhodat Beyn al-Melali wa Diplomasi dar Eslam (Political Jurisprudence: The Law of International Obligations and Diplomacy in Islam)*, Tehran: Samt. [in Farsi]

Bakhshayeshi Yayghut, Moharram; Heydari Monawwar, Hoseyn. 2011. "Harim Khosusi dar Hoghugh Iran wa Asnad Beyn al-Melali (Privacy in Iranian Law and International Documents), in: *Police Studies*, yr. 29, no. 6, pp. 207-232. [in Farsi]

Elham, Gholam Hoseyn. 2013. "Barresi Tadakhhol Mosawwabat Shoray Ali Enghelab Farhangi ba Mosawwabat Majles Shoray Eslami, Dolat wa Majma Tashkhis Maslahat Nezam (Investigating the Interference of the Resolutions of the Supreme Council of the Cultural Revolution with the Resolutions of the Islamic Consultative Assembly, the Government and the Expediency Discernment Council), in: *Islamic Law*, yr. 14, no. 1, pp. 175-179. [in Farsi]

Farahidi, Khalil ibn Ahmad. 1989. *Al-Ayn*, Qom: Al-Hejrah House Institute. [in Arabic].

Hedayatniya, Farajollah. 2002. "Jaygah Hoghughi Setad Ali Enghelab Farhangi wa Mosawwabat An (Legal Status of the Supreme Council of the Cultural Revolution and Its Resolutions)", in: *Porch of Thought*, yr. 9, no. 8, pp. 53-70. [in Farsi]

Ijtihad Network. 2017/07/10. "Harim Khosusi dar Khodro az Negah Maraj Taghlid (Privacy in the Car from the Viewpoint of Ayatollahs)", in: <http://ijtihadnet.ir>.

Jafariyan, Rasul. 2001. *Resaleh Hejabiyeh (Treatise on Hijab)*, Qom: Dalil Ma.

Jawadi Amoli, Abdollah. 2004. *Welayat Faghih wa Welayat Feghahat wa Edalat (Guardianship of Jurist and Guardianship of Jurisprudence and Justice)*, Qom: Esra. [in Farsi]

Khakpur, Hoseyn; Sadat Hoseyni, Elham al-Sadat. 2014. "Barresi Hoghugh Aghalliyat-hay Dini wa Jeziyeh dar Quran (A Study of the Rights of Religious Minorities and Jizyah in the Quran), in: *Journal of Quranic Knowledge*, vol. 15, pp. 117-136. [in Farsi]

Makarem Shirazi, Naser. 2020/12/12. In:

<https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&mid=245313&typeinfo=25&catid=23003>

Minayi, Samira; Mohammadzadeh, Zeynab. 2017. "Hejab wa Pushesh dar Adyan Zartosht, Yahud wa Masihiyat (Hijab and Covering in the Religions of Zoroastrianism, Judaism and Christianity), in: Conference on Scientific and Practical Attitudes towards Chastity and Hijab. [in Farsi]

Musawi Khomeyni, Ruhollah. 1999. *Sahifeh Nur*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeyni's Works. [in Farsi]

Musawi, Seyyed Hasan. 2017. *Porsesh-ha wa Pasokh-ha 60: Neghahi Dobareh be Masaleh Hejab (Questions and Answers 60: A New Look at the Issue of Hijab)*, Qom: Knowledge Publishing Office, Second Edition. [in Farsi]

Najafi, Mohammad Hasan. 2003. *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam (The Jewel of the Words in the Explanation of Islamic Law)*, Qom: Teachers Association. [in Arabic]

Sadeghi, Hadi. 2017. In: <https://www.icana.ir>.

Sajjadi, Ahmad. 2018/04/25. In: <https://www.isna.ir>.

Sami al-Zayn, Atef. 1984. *Tafsir Mofradat al-Alfaz al-Quran al-Karim (Tafsir Mofradat al-Alfaz al-Qoran al-Karim (Glossary of Quranic Terms)*, Beirut: Lebanese Book House. [in Arabic]

Sharif, Mohammad. 2005. "Jaygah Ghanun Shoray Ali Enghelab Farhangi wa Martabeh Mosawwabt An (The Position of the Law of the Supreme Council of the Cultural Revolution and the Status of Its Legal Resolutions), in: *Law and Politics*, no. 15 & 16, pp. 217-248. [in Farsi]

Sleymani, Iran; Nurmohammadi, Mohammad Reza. 2019. "Barresi Fegghi Tazahor be Fesgh wa Fojur (Jurisprudential Study of Pretending to Be Immoral), in: *Journal of the Second International Conference on Religious Studies, Islamic Sciences, Jurisprudence and Law of Iran and the World*. [in Farsi]

Sobhani, Jafar. 2013/09/21. "Manay Tajarri wa Estehghab Eghab bar An", in: <http://www.eshia.ir>.

Steinsaltz, Adin. 2014. *Seyri dar Telmud (A Look at the Talmud)*, Translated by Bagher Talebi, Qom: Center for the Study of Religions and Denominations, Third Edition. [in Farsi]

Tabatabayi, Mohammad Hoseyn. 2004. *Tafsir al-Mizan (The Yardstick of the Interpretation)*, Qom: Islamic Publications Office. [in Arabic]